





دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته الهیات فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

مبانی و معیارهای عرفان راستین از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی

استاد راهنما

دکتر فروزان راسخی

استاد مشاور

دکتر شهناز شایانفر

دانشجو

عطیه کاظم فرحزادی

اسفند ماه ۱۳۹۲

کلیه دستاورد های این تحقیق
متعلق به دانشگاه الزهرا (س) است.

چکیده

رسالت پژوهش حاضر معرفی مبانی و معیارهای عرفان راستین از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی است. ارائه نشانه هایی از عرفان نظری حقیقی یا جهان بینی عارفانه و عرفان عملی حقیقی یا عارف حقیقی می تواند رهگشای علاقمندان به عرفان در تشخیص عرفان و عارف راستین از دروغین باشد. در این باره نسبت میان عرفان و عقل و نیز عرفان و دین، در آثار ملاصدرا و علامه طباطبایی بررسی می شود؛ و نیز جایگاه برخی عناصر مهم در عرفان، سیره، روش و عملکرد (عمل) عارف در آثار ایشان پیگیری می شود. عقل و دین دو مبنای عرفان ملاصدرا و علامه طباطبایی هستند. ملاصدرا به برقراری وحدت میان عرفان، عقل و وحی اهتمام داشته و علامه محور وحدت را قرآن می داند. البته ملاصدرا بر عقل به عنوان حجت درونی و علامه بر دین مدون (شریعت) و دین مکون (فطرت) بیشتر تاکید نموده اند. ارتباط متقابل معرفت النفس و معرفت الرب، اخلاق مداری، پایبندی به شریعت و عبادات، اهتمام به تهذیب نفس و ... از نشانه های عرفان نظری و عملی حقیقی در آثار ملاصدرا و علامه طباطبایی است.

واژگان کلیدی: مبانی عرفان راستین، عقل، دین، وحی، شریعت، عرفان نظری، عرفان عملی،

عارف حقیقی، ملاصدرا، علامه طباطبایی

فهرست مطالب

۱	فصل اول کلیات
۲	مقدمه
۳	۱-۱- سؤال اصلی پژوهش
۳	۱-۲- پرسش های فرعی
۳	۱-۳- فرضیه های پژوهش
۴	۱-۴- روش پژوهش
۴	۱-۵- معرفی فصول
۴	۱-۶- پیشینه پژوهش
۵	۱-۷- تعاریف
۵	۱-۷-۱- عرفان
۶	۱-۷-۲- اقسام عرفان
۶	۱-۷-۲-۱- عرفان عملی
۷	۱-۷-۲-۲- عرفان نظری
۸	۱-۷-۳- تأثیر و تأثر عرفان نظری و عملی
۹	۱-۷-۴- عرفان و تصوف
۱۱	۱-۸- نسبت دین و عرفان

۱۷	۹-۱- نسبت عرفان و عقل
۱۷	۱-۹-۱- ناسازگاری و تعارض (خرد ستیزی)
۱۸	۲-۹-۱- سازگاری (خردپذیری و خردگریزی)
۱۹	۳-۹-۱- نقادی عقل
۲۱	۱۰-۱- پیشینه ی مبارزه با مدعیان
۲۱	۱-۱۰-۱- شیخ ابو نصر سراج طوسی
۲۳	۲-۱۰-۱- نجم الدین رازی
۲۴	۳-۱۰-۱- ابن قیم الجوزیه
۲۵	۴-۱۰-۱- سید حیدر آملی
۲۵	۵-۱۰-۱- سید بحر العلوم
۲۷	۱۱-۱- خاتمه فصل
۲۹	فصل دوم: مبانی عرفان راستین از دیدگاه ملاصدرا
۳۰	۱-۲- مدخل
۳۱	۲-۲- توصیف عالم و حکیم یا عارف
۳۲	۳-۲- توصیف به خطا افتادگان در عرفان
۳۴	۴-۲- معیارهای عرفان راستین
۳۴	۱-۴-۲- معیار اول: عقل
۳۷	۲-۴-۲- معیار دوم نقل (وحی)

- ۴۰ ۲-۴-۱-۲-شریعت ظاهری (احکام) و شریعت عملی باطنی (اخلاق)
- ۴۱ ۲-۴-۲-۲- شریعت علمی باطنی (عقاید و علائق)
- ۴۳ ۲-۵- وحدت عقل، وحی و عرفان
- ۴۵ ۲-۶- نشانه های عرفان راستین
- ۴۵ ۲-۶-۱- نشانه های عرفان نظری راستین (عرفانِ عارفِ حقیقی)
- ۴۶ ۲-۶-۱-۱- نیل به قرب الهی از طریق معرفت به حقیقت وجود
- ۴۶ ۲-۶-۱-۲- علم و عمل
- ۴۷ ۲-۶-۱-۲-۱- مراتب علوم عملی، عمل و علوم نظری در سلوک
- ۵۰ ۲-۶-۱-۲-۲- علم در عرفان حقیقی
- ۵۲ ۲-۶-۱-۳- عمل در عرفان حقیقی
- ۵۴ ۲-۶-۱-۳- اهمیت معرفت النفس در سلوک
- ۵۵ ۲-۶-۱-۴- اخلاق مداری
- ۵۵ ۲-۶-۲- نشانه های عرفان عملی راستین
- ۵۵ ۲-۶-۱-۲- طلب علم
- ۵۷ ۲-۶-۲-۲- معرفت نفس و تهذیب نفس
- ۶۰ ۲-۶-۲-۳- محبت الهی
- ۶۰ ۲-۶-۲-۳-۱- خوف الهی قرین محبت الهی
- ۶۱ ۲-۶-۲-۳-۲- دوری از حب دنیا

- ۶۳ ۲-۶-۲-۳-۳- انس با مرگ
- ۶۵ ۲-۶-۲-۳-۴- محبت به مخلوقات
- ۶۵ ۲-۶-۲-۳-۵- تولی و تبری
- ۶۵ ۲-۶-۲-۴- پایبندی به تکلیف و عبادت
- ۶۷ ۲-۶-۲-۵- ذکر دائمی
- ۶۹ ۲-۶-۲-۶- دوری از شطحیات
- ۶۹ ۲-۶-۲-۷- نه ظاهر گرا و نه باطن گرا
- ۷۰ ۲-۶-۲-۸- دوام لذت و ابتهاج رؤیت حق
- ۷۰ ۲-۶-۲-۹- خلوت جویی
- ۷۰ ۲-۶-۲-۱۰- تبعیت از پیامبر امامان علیهم السلام
- ۷۱ ۲-۶-۲-۱۱- تشخیص خواطر
- ۷۲ ۲-۶-۲-۱۲- مدعی نبودن (ادعا نداشتن) و پرهیز از فرقه سازی
- ۷۴ ۲-۷- خاتمه فصل
- ۷۶ فصل سوم: مبانی عرفان راستین از دیدگاه علامه طباطبایی
- ۷۷ ۳-۱- مدخل
- ۷۷ ۳-۲- پیدایش تصوف
- ۸۰ ۳-۳- معیارهای عرفان راستین
- ۸۰ ۳-۳-۱- معیار اول عقل

- ۸۳ ۳-۳-۲- معیار دوم دین
- ۸۴ ۳-۳-۲-۱- فطرت، شریعت مکون
- ۸۷ ۳-۴- قرآن محور وحدت
- ۸۸ ۳-۵- نشانه های عرفان راستین
- ۸۸ ۳-۵-۱- نشانه های عرفان نظری راستین
- ۸۸ ۳-۵-۱-۱- توحید خالص
- ۹۰ ۳-۵-۱-۲- قرب الهی در سایه ایمان و عمل صالح
- ۹۲ ۳-۵-۱-۳- جایگاه ولایت و امام در سلوک
- ۹۵ ۳-۵-۱-۴- جایگاه معرفت نفس در سلوک
- ۹۷ ۳-۵-۱-۵- اخلاق مداری
- ۹۸ ۳-۵-۲- نشانه های عرفان عملی راستین
- ۹۸ ۳-۵-۲-۱- محبت الهی
- ۹۹ ۳-۵-۲-۲- دوری از حب دنیا و انقطاع از غیر خدا
- ۱۰۰ ۳-۵-۲-۳- معرفت نفس و تهذیب نفس
- ۱۰۲ ۳-۵-۲-۴- پایبندی به تکلیف و عبادت
- ۱۰۴ ۳-۵-۲-۵- تکیه به ولایت و توسل به امام
- ۱۰۴ ۳-۵-۲-۶- ذکر دائمی
- ۱۰۴ ۳-۵-۲-۷- توجه به سیاست و اجتماع

۱۰۵	۳-۵-۲-۸- دوری از بیانات بی پرده و شطح گونه
۱۰۵	۳-۶- خاتمه فصل
	فصل چهارم : بررسی و مقایسه آرای ملاصدرا و علامه طباطبایی ۱۰۸
۱۰۹	۴-۱- مقایسه روش
۱۰۹	۴-۲- مقایسه در مسئله عرفان راستین
۱۰۹	۴-۲-۱- اشتراکات
۱۱۲	۴-۲-۲- تفاوت ها
۱۱۴	۴-۳- مقایسه مبانی
۱۱۵	فهرست منابع

فصل اول

کلیات

مقدمه

اعطای عقل، ارسال رسل و انزال کتب آسمانی از ناحیه خدا برای هدایت بشر به راه سعادت، معرفت حقیقی به خدای متعال و کسب بالاترین ظرفیت برای ملاقات با پروردگار بوده است. گرایش به دین و عرفان گرایشی فطری است که مانند همه امور فطری، اکتسابی نبوده و در عموم انسانها با شدت و ضعف وجود دارد. انسانها به دنبال این گمشده به سراغ حجت های درونی و بیرونی، یعنی عقل و انبیاء، رفته اند تا با پیروی از تعالیم، آداب و شریعت عرضه شده از ناحیه آنان به این معرفت دست یابند. متأسفانه پس از انبیاء و اوصیا در دوران غیبت خاتم اوصیا علیه السلام که باید به پیروان راستین آنها رجوع کنند، رهنمایی پیدا شده اند که با ادعای دروغین وصول به معرفت الهی و جانشینی پیامبران، آنان را از رسیدن به مقصود بازداشته و بلکه به گمراهی سوق داده اند. علمای راستین به جهت وجود این مدعیان کاذب همواره دغدغه راهنمایی مردم بسوی عرفان حقیقی را داشته اند. در عصر ما نیز عرفانهای دروغین و مدعیان پر مدعا که بهره ای از حقیقت ندارند، عده ای را فریب داده و به دور خود جمع کرده اند؛ و این همزمان با اقبال بیشتری به معنویت، دین و عرفان در عصر جدید است. شمارگان بالای محصولات فرهنگی و تعدد و تنوع موسسات، محافل و خانقاه ها قرینه و شاهد این امر هستند. این گرایش شدید شاید علل دیگری نیز داشته باشد از جمله: سرخوردگی بشر از عقلانیت و علم مدرن در عصر روشنگری، اثبات نادرستی فلسفه های معنویت ستیز مانند پوزیتوسیم، شکست نظام های سیاسی- اجتماعی معنویت ستیز مانند کمونیسم و مارکسیسم، تبلیغات گسترده گروه های معنویت گرا حتی در عرفان های یهودی که دارای دین نژادی و بدون تبلیغ هستند، برنامه ریزی های انجام شده نظامی و اطلاعاتی با توجه به سوابق نظامی رهبران برخی از فرقه های عرفانی و نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران. این وقایع علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می توانند از جمله علل نقطه عطف و بازگشت میلیون ها انسان در سراسر دنیا به اصول گرای مذهب باشند.

ملاصدرا و علامه طباطبایی که در عرصه فلسفه، کلام، عرفان، علوم حدیث و تفسیر قرآن دارای آثار ارزشمندند با پدیده جهله صوفیه و عرفان های کاذب مواجه بوده اند و خود با تهذیب،

طهارت و دینداری در عرصه ایمان و عرفان به مراتب بالایی از معرفت دست یافته اند. وضعیت اجتماعی دوران زندگی ایشان و نیز عهدی که خداوند از عالمان حقیقی گرفته است، می تواند از جمله دلایلی باشد که این متفکران را بر آن داشت تا به ایضاح این انحرافات و خطاهای گمراهان و مدعیان این عرصه بپردازند، و با ارائه تعالیم عرفان ناب اسلامی و معرفی عارفان راستین از پرچم داران راه حقیقت باشند. ملاصدرا اثری مستقل در مبارزه با صوفی نماها نگاشته است. علامه طباطبایی نیز به عنوان پیرو مکتب ملاصدرا از آموزه های او بهره برده و در لابه لای مباحث قرآنی در *المیزان* و آثار مستقل دیگر خود به این بحث پرداخته است.

۱-۱- سؤال اصلی پژوهش

ملاصدرا و علامه طباطبایی از جمله عالمانی هستند که به موضوع عرفان راستین و کاذب توجه داشته اند و در آثار خود معیارهای عرفان راستین را با تکیه بر قرآن و سنت به طالبان حقیقت عرضه کرده اند. لذا ارائه نظرات آنها و عرضه آن بصورت منظم به زبان نسل امروز میتواند راهگشای خوبی در جهت وصول به معرفت الهی باشد. پرسش اصلی این پژوهش استخراج معیارهای عرفان راستین از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی است: مبانی و معیارهای عرفان راستین از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی چیست؟

۱-۲- پرسش های فرعی

- ۱- مبانی و معیارهای عرفان راستین از نظر ملاصدرا چیست؟
- ۲- مبانی و معیارهای عرفان راستین از نظر علامه طباطبایی چیست؟
- ۳- تفاوت نظرات ملاصدرا و علامه طباطبایی در مورد مبانی و معیارهای عرفان راستین چیست؟

۱-۳- فرضیه های پژوهش

- ۱- ملاصدرا عقل و نقل (دین) را مبانی و معیارهای عرفان حقیقی می داند.

۲- علامه طباطبایی عقل، فطرت مکون (فطرت انسانی) و فطرت مدون (دین) را مبانی و معیارهای عرفان حقیقی می داند.

۳- ملاصدرا بیشتر از علامه بر مطابقت عرفان حقیقی با عقل و علامه طباطبایی بیشتر از ملاصدرا بر مطابقت بر قرآن تاکید دارد؛ همچنین عرفان علامه طباطبایی بر مطابقت با فطرت انسانی نیز تکیه دارد.

۱-۴- روش پژوهش

پژوهش در این رساله به روش کتابخانه ای است؛ نگارنده با مطالعه منابع، اطلاعات لازم را از آن ها استخراج کرده و سپس از طریق تحلیل داده ها و اطلاعات بر نوشتن این اثر همت گمارده است.

۱-۵- معرفی فصول

پایان نامه حاضر، دارای چهار فصل است. فصل اول یا کلیات مشتمل است بر تعاریفی از عرفان و اقسام آن، نسبت سنجی میان عرفان و دین و نیز عرفان و عقل از دیدگاه برخی صاحب نظران و نهایتا پیشینه مبارزه برخی عارفان با تصوف و عرفان کاذب. در فصل دوم مبانی و نشانه های عرفان راستین از دیدگاه ملاصدرا و فصل سوم از دیدگاه علامه طباطبایی مطرح شده است و در فصل چهارم مقایسه ای اجمالی بین آرای ایشان صورت گرفته است .

۱-۶- پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش های انجام شده در این زمینه پایان نامه عرفان و عارف حقیقی از دیدگاه ملاصدرا، داریوش پاک نیت، کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰ است که به جایگاه و نقش عرفان در حکمت متعالیه، ویژگی های عرفان و عارف حقیقی و کاذب و تاثیر عرفان در انسان شناسی پرداخته است. پایان نامه بررسی عرفان در آثار علامه طباطبایی، مائده شاکری راد، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۹۰، سعی در نشان دادن ریشه های وحیانی عرفان اسلامی و ارائه و تحلیل نظر علامه طباطبایی در خصوص ولایت داشته است. رساله شرح عرفانی رساله الولایه علامه طباطبایی، سیاوش رودگر، دکتری، دانشگاه آزاد واحد

علوم تحقیقات تهران، ۱۳۸۰، نیز به بحث درباره کمال حقیقی و ولایت، امکان وصول به مقام ولایت و راه دست یابی به آن، دستورالعمل های آن و امکان راه یابی به آن برای غیر معصومین پرداخته است.

۷-۱- تعاریف

معرفی عناصر درونی عرفان و روابط آنها با رویکردی درون عرفانی در ابتدای این نوشتار ضرورت دارد. برای این منظور به روشن نمودن معنای اصطلاحی برخی تعابیر و واژه ها از جمله عرفان، اقسام آن یعنی عرفان نظری و عرفان عملی و تأثیر و تأثر متقابلشان، تصوف و تفاوت آن با عرفان از دیدگاه برخی از صاحبان تالیفات عرفانی و علوم دینی پرداخته شده است.

۱-۷-۱- عرفان

عرفان در لغت به معنای شناختن و دانستن بعد از نادانی است.^۱ در اصطلاح عرفان راه و روشی است که اهل الله برای شناسایی حق انتخاب نموده اند و آن طریقه تصفیه باطن و تخلیه روح است که روش خاص انبیاء، اولیاء و عرفا است و این معرفت کشفی و شهودی جز برای مجذوب مطلق یا به سبب طاعت و عبادت قلبی، نفسی، روحی، سرّی و خفی برای کسی میسر نیست؛ و غرض از ایجاد عالم دست یابی به معرفت شهودی است.^۲ گاه عرفان را به حال و مقام عارف تعریف کرده اند و آن را معرفتی دانسته اند مبنی بر حالت روحانی و وصف ناپذیر شخص که طی آن ارتباط مستقیم و بی واسطه با وجود و ذات مطلق می یابد البته ادراکی نه به برهان بلکه به ذوق و وجدان.^۳

با توجه به این تعاریف می توان گفت که عرفان کشف حقیقت از طریق شهود و اشراق باطن، بدون استفاده از عقل و استدلال است.

^۱ معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۲۹۲

^۲ سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، کوشش، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۲۵۳

^۳ زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲، ص ۱۰

البته صاحب عرفان و صاب علم عرفان با یکدیگر تفاوت دارند. صاحب عرفان و عارف کسی است که دارای شهود بی واسطه در بعد معرفتی و نیز رفتار و سلوک ویژه ای باشد، اما علم عرفان مطالعه عرفان است که شامل مطالعه شهود و سلوک عارف است، بی آنکه الزامی برای تحقق آن در خود مطالعه کننده باشد. علم عرفان از سنخ علم حصولی است و نسبت صاحبان عرفان (عرفا) و صاحبان علم عرفان عموم و خصوص من وجه است.^۱ مطلوب صاحبان عرفان نه تنها علم عرفان نیست بلکه خود عرفان نیز نیست^۲ و عارف عاشق عرفان نیست، بلکه عاشق خداست. در عرفان خبری از بحث و استدلال و ... نیست، بلکه عرفان تنها طهارت دل است و دریافت معارف. بیان این مطلب تنها جهت تذکر می باشد و در سیر بحث لحاظ نمی شود.

۱-۷-۲ - اقسام عرفان

تقسیم بندی علم عرفان به عرفان نظری و عرفان عملی دارای پیشینه تاریخی است و نه تنها در آثار معاصران که در آثار ابن عربی، فناری، قیصری و دیگران این تقسیم بندی ملاحظه می شود.

۱-۷-۲-۱ - عرفان عملی

عرفان عملی ناظر به سیر و سلوک، طریق عرفانی و چگونگی وصول به کمال نهایی است. عرفان عملی یا علم تصوف و سلوک یا به تعبیر ابن عربی علم منازل آخرت، علم آباد کردن باطن انسان با معاملات قلبی از طریق تخلیه قلب از مهلکات و آراستن آن به منجیات است.^۳ برخی دیگر آن را چنین تعریف کرده اند که علم شناخت راه سلوک و مجاهدت برای رهایی نفس از تنگناهای قیود جزئی و پیوستن آن به مبدأ خویش و اتصاف آن به صفت اطلاق و

^۱ ر.ک: فنایی اشکوری، محمد، شاخصه های عرفان ناب شیعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱، صص ۲۹-۳۳

^۲ ابن سینا می گوید: "من أثر العرفان للعرفان فقد قال بالثانی"، ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۴۲۰

^۳ فناری، محمد بن حمزه، مصباح الانس (به همراه مفاتیح الغیب قونوی)، تصحیح محمد خواجهی، تهران،

مولی، ۱۳۷۴، ص ۲۷

کلیت است.^۱ در عرفان عملی، از راهها و اعمالی بحث می شود که رهایی انسان را از قیود جزئی مادی و امکانی و قرب به حق تعالی را فراهم می کند.

اعمال جوانحی (در برابر اعمال جوارحی) که با ساحت قلب انسان ارتباط دارند، به "معاملات قلبی" تعبیر می شوند. در واقع معنای عمل در بیان اهل عرفان با تعمیمی در گستره معنا علاوه بر اعمال بدنی و ظاهری، ساحت باطنی و اعمال قلبی را فرا میگیرد و حتی به اعمال ظاهری به جهت تاثیر بر ساحت باطن و قلب توجه می شود. در سنت ماثور اسلامی و از مجموع آیات و روایات هم برمی آید که امور نفسانی و قلبی مانند نیت، حب و بغض و . . . از اعمال قلبی شمرده می شوند. به طور کلی قلب و هدایت آن به عنوان مهمترین ساحت وجودی انسان مورد توجه اصلی عرفان عملی است که آراستن حالات، ملکات، تأثیر و تأثرها و فعل و انفعال های قلب با دیگر ساحت وجود انسان و مراقبت از آن برای دوری از مهلکات و رسیدن به منجیات قلب اساس عرفان عملی را تشکیل می دهد.^۲

می توان "مجموعه دستورها و قواعد معطوف به اعمال و احوال قلبی (ریاضتها) در قالب منازل و مقامات که به تبعیت از آنها به حصول کمال نهایی انسانی (توحید یا مقام فناء و مشاهده حق) می انجامد"^۳ را عرفان عملی دانست.

۱- ۷- ۲- ۲- عرفان نظری

عرفان نظری ناظر به معارف توحیدی و حقایق و معارف حاصل از شهود عارف است. عرفان نظری یا علم حقایق، مشاهده و مکاشفه یا به تعبیر ابن عربی علم بالله، به چگونگی ارتباط حق تعالی با مخلوق و چگونگی پیدایش کثرت با همه مراتب و اضافاتش از وحدت حقیقی می پردازد؛^۴ یا به تعبیر دیگر به خداوند از جهت اسماء، صفات و مظاهر او و به احوال مبدأ و معاد و

^۱ قیصری، داود بن محمود، رسائل قیصری، تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۷۷، ص ۶

^۲ یزدان پناه، یدالله، مبانی و اصول عرفان نظری، نگارش عطاء انزلی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، صص ۶۲-۶۳

^۳ همو، ص ۷۲

^۴ فناری، مصباح الانس، ص ۲۷

به حقایق عالم و کیفیت بازگشت به ذات احدی می پردازد.^۱ عرفان نظری در حقیقت حکمت و هستی شناسی ارائه شده از سوی عارفان است. عارفان محقق به برکت شهودهای نهایی توانسته اند هستی شناسی ویژه ای را در باطنی ترین ساحت های هستی و سپس آن را در دیگر ساحتها ارائه دهند.^۲ می توان گفت عرفان نظری عبارتست از "ترجمه و تعبیر حقایق و معارف توحیدی، یعنی وحدت شخصی وجود و لوازم آن که عارف از راه شهود، در نهایی ترین مرحله آن به دست آورده باشد؛ شهودی که معمولاً در پی ریاضت و عشق حاصل می شود."^۳

۱ - ۷ - ۳- تأثیر و تأثر عرفان نظری و عملی

عرفان عملی و نظری رابطه دو سویه و تأثیر و تأثر متقابل دارند. توضیح اثرپذیری عرفان نظری از عملی به این بیان است که بنیاد اصلی عرفان نظری یعنی "حقیقت"، نتیجه سیر و سلوک در زمینه عرفان عملی و طریقت است. "طریقت" و تجربه سلوکی همان سیر عملی عارف بسوی حق است و مقصود از عرفان عملی، قواعد و دستورهایی است که اعمال و معاملات قلبی طبق آن انجام می شود و "حقیقت" چیزی است که عارف در مقام فنا با علم حضوری آن را وجدان می کند، و عرفان نظری، بیان عارف از آن مشاهده ها و حقایق است. عارف با سلوک در طریق ترسیم شده در عرفان عملی به شهود دست یافته و حقایق و معارف حاصل از شهود دست مایه عرفان نظری می شود و در واقع عرفان نظری ترجمان حقایق مشهود عارف سالک است.^۴

درباره تأثیر عرفان نظری بر عملی باید گفت آگاهی سالک از عرفان نظری که به گونه ای شامل تحلیل و تبیین حقایق و عوالم هستی و مراتب وجود از کلی ترین و بالاترین منظر ممکن است که می تواند در فهم بهتر رخدادها و تجربه های عرفانی و دست یابی به اسرار و ویژگی های هر مرحله وجودی موثر افتد. پیش بینی نیازمندی عارف به چنین آگاهی های پیشینی از عرفان نظری، در کتب عرفان عملی سابقه دارد و ساختار اساسی منازل سیر و سلوک با دید هستی شناسی در عرفان نظری تحلیل می شود. به عنوان مثال کاشانی در شرح *منازل السائرین*

^۱ قیصری، رسائل قیصری، ص ۶

^۲ یزدان پناه، مبانی و اصول عرفان نظری، ص ۱۹

^۳ همو، ص ۷۳

^۴ همو، صص ۶۶-۶۷

که مهمترین کتاب در حوزه عرفان عملی است از عرفان نظری در دل مباحث عرفان عملی بهره برده است.

هم چنین عرفان نظری می تواند به عنوان معیاری در دست سالکان میانه راه، برای محک شهود خویش و نقشه ای برای تعیین دقیق موقعیت فعلی خویش از نظر رتبه وجود باشد. صدرالدین قونوی در مقدمه *مفتاح الغیب* به یاری رساندن در این امر به خلاصه خواص - که هنوز در میانه راه سلوک اند - نه عوام یا خواصی که هنوز در ابتدای راهند، اشاره می کند.

۱ - ۷ - ۴ - عرفان و تصوف

استاد مطهری بعد فرهنگی عارفان را عرفان و بعد اجتماعی ایشان را تصوف می داند و عارفان را یک طبقه فرهنگی می داند که برخلاف سایر طبقات فرهنگی، یک طبقه یا فرقه اجتماعی با سلسله افکار و آدابی در معاشرت، پوشش، محل عبادت و ... را تشکیل دادند.^۱

سهروردی در *عوارف المعارف*، حقیقت تصوف را در آرای بزرگان بیش از هزار مورد می داند.^۲ معروف کرخی در تعریف تصوف می گوید: "تصوف گرفتن حقایق، گفتن به دقایق و ناامیدی از آنچه در دست خلائق است".^۳ از جمله تعاریف دیگران: "تصوف، ذکری در اجتماع، وجد با استماع و عمل با اتباع است"^۴، "تصوف آن است که با خدا باشی بدون تعلق به دیگران"^۵؛ تصوف ورود به هر خلق بلند عالی و خروج از هر خلق پست است؛^۶ "تصوف عبارت از ترک کل حظ نفس است"^۷؛ "صوفی آن است که در دو جهان چیزی جز خدای عزوجل نبیند"^۸؛ تصوف صبر

^۱ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۰، ج ۱۴، صص ۵۴۸-۵۴۹

^۲ سهروردی، عمر بن محمد، *عوارف المعارف*، بیروت، دارالکتاب العربیه، ۱۴۰۳، ص ۵۷

^۳ عطار نیشابوری، فریدالدین، *تذکره الاولیاء*، تصحیح رینولد آلن نیکلسون، تهران، اساطیر، ۱۳۷۹، ص ۳۶۴

^۴ قشیری، عبدالکریم بن هوازن، *رساله قشیریه*، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع الزمان

فروزانفر، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱؛ عطار نیشابوری، *تذکره الاولیاء*، ص ۴۷۰

^۵ کاشانی، عزالدین محمود بن علی، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، هما،

۱۳۷۲، ص ۴

^۶ همو، ص ۵

^۷ هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، *کشف المحجوب*، تصحیح محمود عابدی، تهران، سروش، ۱۳۸۴، ص ۴۲

^۸ همو، ص ۴۴

صبر در برابر اوامر الهی و رضایت به قضای الهی و تسلیم قدر بودن است؛^۱ تصوف آن است که آنچه در سر داری بنهی و آنچه در کف داری بدهی و از آنچه از تو می آید نجهی؛^۲ رعایت آداب آداب ظاهری و باطنی شرع که همان مکارم اخلاق است و تخلق به اخلاق الله تصوف است،^۳ و نیز تخلق به اخلاق الهی در قول، فعل، علم و حال تصوف دانسته شده است.^۴

از مجموعه تعاریف برخی نسبت ما بین تصوف و عرفان را عموم و خصوص من وجه و برخی دیگر عرفان را جنبه عملی و ذهنی تصوف و تصوف را جنبه علمی عرفان دانسته اند؛^۵ و نهایتاً باید گفت کاشانی، صوفیان را نه جماعتی با اسم و رسم متمایز بلکه هر کس را که به وصف مقربان و سابقان در قرآن رسیده باشد صوفی می داند.^۶ اما مذمت و بار معنایی منفی در کنار صوفیه از قرن یازدهم و در لسان افرادی چون ملامحمد طاهر قمی (۱۰۹۸ق) و ملامحمد باقر مجلسی (۱۱۱۱ق) و نیز در برخی روایات، از ریاکاری و ادعای باطل برخی در این زمینه پرده برداری می کند. رسول خدا صلی الله علیه وآله از لعنت فرشتگان آسمان و زمین بر پشمینه پوش های تابستان و زمستان^۷ خبر داده اند، و نیز امام رضا علیه السلام در پاسخ به اعتراض مدعیان زهد، با نشان دادن لباس مندرس پنهان شده در زیر لباس نو زیبای خود،

^۱ ابن منور، محمد، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲

^۲ همو، ص ۲۸۵

^۳ ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، ج ۲، صص ۱۲۵ و ۲۶۴

^۴ آملی، سید حیدر، جامع السرار و منبع الانوار (به انضمام رساله نقد النقود فی معرفه الوجود)، با تصحیحات و دو مقدمه هانری کرین و عثمان اسماعیل یحیی، انجمن ایران شناسی فرانسه و شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۴

^۵ گوهرین، سید صادق، شرح اصطلاحات تصوف، تهران، شرکت قلم، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۹۵

^۶ کاشانی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، ص ۴

^۷ "یا اباذر یکون فی آخر الزمان قوم یلبسون الصوف فی صیفهم و شتائهم یرون انّ لهم الفضل بذلک علی غیرهم اولئک تلعنهم الملائکه السموات و الارض": مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۹۱